

عشق و دوستی در همه اجزای جهان جریان دارد



دکتر امیری مستشار مقیم پژوهشگر و مدیر

رفت و محبت هر دو از مفاهیمی هستند که در همه نظام های دینی الهی و غیر الهی وجود دارند، اما تفاوت آن ها فقط در مصادیقشان بایکدیگر است. ریشه های این محبت در نظام اسلامی را می توان در قرآن کریم جست وجو کرد. بر اساس قرآن، همه نظام های اخلاقی مبتنی بر نوعی جهان بینی هستند، جهان بینی اسلامی برگرفته از توحید است و در این مسیر خداوند متعال انسان ها را به یک هدف والا ارجاع داده و سعادت بشر را بر اساس آن تضمین کرده و بنای این سعادت را بر فطرت قرار داده است، به طوری که فرمود: فطرت الهی فطرتی است که انسان ها را بر آن قرار داده است (روم: ۳۰). اما چگونه می توان به این سعادت رسید؟ همان گونه که بیان شد، همه موجودات چون در مسیر ابدیت قرار دارند، طالب سعادت ابدی هم هستند و چون انسان به خود و وجود خودش عشق می ورزد، به دنبال کسب سعادت نیز هست. سعادت نیز همان است که خدای تعالی به تبعیت از آن رهنمون کرده است: کسی که از خدا و رسولش اطاعت کند، به طور ابدی داخل در بهشتی که آب های در آن جاری است می شود و این همان رستگاری و سعادت عظیم است (نسا: ۱۲).

همه موجودات برای سعادت خویش در تکاپو هستند. سعادت یک گل آن است که تلاش کند به کمال خویش، یعنی غنچه شدن و سپس گل و خوش بو شدن برسد، وگرنه قبل از اینکه به کمال و سعادت خود برسد، پژمرده می شود و فرومی ریزد. به همین دلیل، شاعری در یک غزل زیبا و بسیار دلکش سروده است:

سبزه به گرمی نفسی می زند/ و ان نفس از بهر کسی می زند

عشق طلب کن که به جایی رسی/ و از قدم او به نوابی رسی

هر که شناسا و خود و دوست نیست/ خاک به مغزش که به جز پوست نیست انسان اگر در مسیر عشق ورزیدن برای رسیدن بر ابدیت حرکت کند، می تواند کارهایی خارق العاده انجام دهد که در تاریخ ماندگار شود و در قیامت مانند ستاره ای بدرخشد. اگر به اصحاب انبیا و حضرات معصومان ^(ع) به ویژه یاران حضرت سیدالشهدا نظری اجمالی بیفکنیم، خواهیم دید که به جز عشق به سعادت و ابدیت هیچ چیز دیگری نمی توانست آنان را به آن از خود گذشتگی وادار کند. در چند کلاس بالاتر آن، عشق خود امام حسین ^(ع) به خدای خود، او را به بی نهایت رسانید. پس این عشق و دوستی است که انسان ها را به سوی سعادت ابدی رهنمون است. البته بدیهی است عشق هایی که از امور مادی باشد، این ها عشق نیست، بلکه سایه ای از عشق است که بسیار زود گذر خواهد بود، چون مادی است و امور مادی هم دائم در حال تغییر و دگرگونی است. سعدی حکایتی دلکش بیان می کند که شاید بهتر بشود تفاوت عشق مادی را از غیر آن تشخیص داد. این عشق در امور مادی اتفاق می افتد، ولی غرضش امر غیرمادی است که در مسیر رسیدن به سعادت و رضایت ابدی گام برمی دارد. او در این حکایت چنین می گوید:

یکی در بیابان سگی تشنه یافت/ برون از رمق در حیاتش نیافت

گلّه دلو کرد آن پسندیده کیش/ چو حبل اندر آن بست دستار خویش

به خدمت میان بست و بازو گشاد/ اسگ ناتوان رادمی آب داد

خبر داد پیغمبر از حال مرد/ که داور گناهان ازو عفو کرد

الا گر جفاکاری اندیشه کن/ وفا پیش گیر و کرم پیشه کن

کسی با سگی نیکویی گم نکرد/ کجا گم شود خبر بانیک مرد

پس در خیر هیچ گاه روی کسی بسته نیست؛ کافی است فقط بایک نیت درست عاشقانه فعل از آن فرد صادر شود که سعادت اخروی را به دنبال خواهد داشت. اگر حتی لیوان آبی به یک کودک یا کسی که محتاج آن است، بانیت الهی داده شود، سعادت او در این کار خیر تضمین شده است. پس اگر قرار است از ما فعلی صادر شود و کاری را برای خود و خانواده و پدر و مادر و همسایه و همشهری و هم وطنمان انجام دهیم، چه نیکوست که نیت الهی کنیم و با عشق به ابدیت و بی نهایت، آن فعل از ما صادر شود تا سعادت ابدی نیز برپایمان تضمین شود. در نتیجه، معلوم خواهد بود که انسان با چنین رفتاری حتی در این دنیا نیز احساس رضایت خواهد کرد.

تکیه ها

مکانی برای آرام گرفتن دل ها



تکیه برای شیعیان جایی است که در آن عزاداری می کنند. به ویژه اجرای تعزیه از مهم ترین مراسم تکیه است. البته در ایران قدیم تکیه جایی برای جمع شدن افراد، مزار مشایخ، اقامتگاه موقت در سفر و مهمان پذیر رایگان در شهرهای زیارتی هم بوده است. اواخر دوره صفوی، معنی تکیه همان می شود که کاربردش است. از آن دوره تکیه فقط محل برگزاری مراسم محرم بوده است.

تکیه ها در شهرهای مختلف در طول سال کاربری نداشتند، ولی با شروع ایام عزاداری سید و سالار شهیدان، محل تجمع دوستان اران اهل بیت ^(ع) و البته محل برگزاری همه مراسم های فرهنگی و دینی و مذهبی می شدند. در بعضی شهرها، در شب های ماه رمضان، در تکیه ها مناظرات ادبی و جلسات سخنوری هم برگزار می شده است. این محفل ها در غرفه های تکیه تشکیل می شد که تزیین آن ها را جوانمردان محل انجام می دادند. و ثروتمندان و کاسبان، شیرینی، شربت، شمع و چراغ آن را تأمین می کردند. در دوره قاجار که تعزیه خوانی رونق بیشتری پیدا کرد، تکیه همین مفهوم امروزی را پیدا کرد، محلی برای برگزاری مراسم محرم و صفر. اوج این کاربرد هم دوره ناصرالدین شاه بود. تکیه ها در همه جای کشور به ویژه تهران رونق پیدا کردند. در همان سال ها، حدود پنجاه تکیه در تهران دایر بوده است، از جمله تکیه های آقا بهرام، اسماعیل بزاز، افشارها، بربری ها، پهلوان شریف، پامانر، چالحصار، چهل تن، حاجی وکیل، خداآفرین، خشتی ها، خلیج ها، دباغ خانه، درخونگاه، رضاقلی خان، زرگرها، سادات اخوی و ...

بناهایی که به صورت اختصاصی برای تکیه ساخته می شدند، معمولاً در مسیر گذر بودند و دو محله را به هم وصل می کردند. تکیه سه بخش حیاط یا همان عباسیه، فضای سرپوشیده حسینیه و اتاق های پشتی معروف به زینبیه داشته است. در همه شهرهای ایران تکیه هایی بودند که هزینه شان از طریق موقوفات تأمین می شد. تکیه های تفت و امیرچخماق یزد، تکیه معاون الملک کرمانشاه، تکیه عزاخانه و تکیه وزیر کرمان و تکیه سقافران زاندران از تکیه های معروف ایران هستند.

که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت کنید.

سوره نوح، آیه ۳

ترجمه آیت... مکارم شیرازی

در گفت وگوی شهرآرا با کارشناس مذهبی مطرح شد

بارعایت حق مردم، در دایره عدالت الهی بمانیم

ساحل کریمی

گفت وگو

در زندگی، برخی آموزه ها به عنوان بازدارنده های قوی عمل می کنند، به طوری که علاوه بر اینکه مانعی بزرگ در ظلم به دیگران و اجحاف در حق سایر افراد جامعه می شوند، در آن روی سکه مانع از دست رفتن حقوق خود فرد نیز در جمع کوچک خانواده تا جمع بزرگ جامعه می شوند که در دین اسلام از آن به عنوان «حق الناس» یاد می شود. به جرئت می توان گفت اعتقاد به تبعات رعایت نکردن حق الناس از شاخص های مهم بازدارنده مسلمانان در برابر بی توجهی به حقوق سایر افراد است. به دلیل اهمیت این موضوع و اینکه چه موارد و مصادیقی از حق الناس به شمار می رود، با حجت الاسلام والمسلمین مهدی مسائلی، استاد حوزه و آسیب شناس اجتماعی، در این باره گپ وگفتی داشتیم.

● **حق الناس محترم است و حق مردم باید رعایت شود**
حجت الاسلام والمسلمین مسائلی درباره اهمیت رعایت حق الناس گفت: حق الناس به این معناست که همه افراد جامعه به صورت خاص نسبت به هم حقی دارند و درباره همدیگر باید حقوقی را رعایت کنند، زیرا هر انسانی در حریم خانواده یا اجتماع به عنوان عضوی از آن خانواده

یا یک شهروند دارای حقوقی است که دین اسلام از آن به عنوان حق الناس یاد می کند. بنابراین، حق مردم باید حفظ شود و یا دیده احترام بدان نگریسته شود.

● **رعایت نکردن حق الناس به معنای خروج از دایره عدالت است**

وی در این باره افزود: حق الناس یک مسئله فردی و شخصی نیست، بلکه در ابعادی بزرگ تر در مسائلی که در جامعه آحاد مردم را تحت تأثیر خود قرار می دهد نیز مهم است. رعایت نکردن حقوق مردم در جامعه و آنچه حق آن هاست، از جمله استفاده از چیزی یا حتی مسائل جزئی به ظلم در حق افراد منجر می شود و ما را از دایره

عدالت خارج می کند. با رعایت حق مردم می توانیم در دایره عدالت الهی بمانیم. اجرای عدالت از جمله محورهای مهم مدنظر قرآن کریم است. این امر به قدری مهم است که یکی از دلایل بعثت واعزام پیامبران به سوی مردم برای تحقق و حکم فرمایی آن بوده است.

● **حق الناس قابل گذشت نیست**
این پژوهشگر افزود: برای اینکه گرفتار بی عدالتی نشویم، باید حقوق اقشار مختلف جامعه را رعایت کنیم. این موضوع از این نظر مهم است که کسانی که نزد خداوند درجه و مرتبه بالایی دارند، مانند شهدا در اولین قطره خونی که از آن ها در راه خدا روی زمین می ریزد، همه گناهانشان بخشیده می شود، به غیر از حق الناس که به هیچ وجه قابل گذشت نیست، یعنی حتی حضرت حق نیز به خودش اجازه گذشت از حق الناس و حق مردم رانمی دهد.

استاد حوزه علمیه خاطرنشان کرد: این

مسئولان است که با گروه های مختلفی از مردم جامعه در تماس هستند و مسائل مربوط به آن ها را مدیریت می کنند.

● **جبران حق الناس رعایت نشده برای مسئولان سخت تر از عموم جامعه است**

وی در این باره توضیح داد: رعایت نکردن حق الناس اگر در حوزه فردی باشد، به عمد یا سهو، فرد می تواند آن را جبران کند و رضایت و حلالیت بگیرد، اما متصدی و مسئولی که حق الناس را رعایت نمی کند، بعدها نمی تواند جبران کند و این یعنی به دوش کشیدن بار گناهی نابخشودنی، زیرا مسئول متخلفی که منافعش را بر عموم مردم ترجیح داده است، بعد از اذعان به خطا و در صورتی که از عمل اشتباهش پشیمان شود، قطعاً نمی تواند از یکایک افراد جامعه حلالیت

بطلبد. بنابراین، از عهده جبران بر نمی آید و ظلمی که به مردم شده است، نه فقط بحث مالی، بلکه اتلاف وقت و از دست دادن فرصت هایی که به رشد جامعه منجر می شود نیز حق الناس یا گناهی جبران نشدنی است که گاهی مسئولان به آن توجه نمی کنند و مصادیق حق الناس را در محدوده فردی و کوچک می دانند یا به عنوان گناه در نظر نمی گیرند.



کرد. جوانی سلام کرد و گفت: مادر لطفا سوار شوید، من شما را می رسانم. به راننده نگاه کرد، به چشمش آشنا آمد. بسم... گفت و سوار شد. تاخواست جای ایستگاه اتوبوس ها پیاده شود، جوان گفت تا خانه شما را می رسانم. محسن، پسرتان، از دوستان خوب من است. پیرزن دلش آرام بود، نمی توانست جلواشک هایش را بگیرد. چادرش را به صندلی ها کشید تا اندکی از این بوی خوش را با خود بردارد.

اطرافش خلوت شد. اثری از آن همه خودرو و سروصدا نبود. هوا داشت تاریک می شد. جاده وسط قبرستان، بزرگ و بی انتها به نظر می رسید.

هول کرده بود که نکند به اتوبوس ها نرسد. پیاده راه افتاد. نزدیک گلزار شهدا که رسید، صلواتی فرستاد، نثار روح پسرش، خلیل، دوست او محسن و دیگر شهیدان. اشکش سرازیر شد. با صدای خفه اش صدا زد: یا صاحب الزمان (ع) حالا نصفه شمی اینجا چه کنیم؟ خودرو بی کنارش توقف

طولانی همان جادم در ایستاد و به کوچ و خیابان نگاه کرد. انگار بعد از بارها با زهم به رحمت خداوند ایمان آورده بود و منتظر بود بلکه معجزه ای دوباره رخ دهد. همین چند ساعت پیش بود که برای مراسم خاک سپاری یکی از اقوام رفته بود. بعد از پایان مراسم همه پراکنده شدند و به طرف مسیرها و وسایل خود رفتند. پیرزن هرچه عینک ذره بینی اش را جابه جا کرد، آشنایی ندید که از او بخواهد تاجای اتوبوس ها او را برساند. یک باره

بوی خوش دوست

روایتی از مادر شهید در گلزار شهدا

روایت

به ثانیه نرسید که جلو پر خانه اش بود. همه نگران پرسیدند: چرا این قدر دیر کردید؟ مادر؟ چقدر طول کشید تا به خانه برگردید؟ راستی آن آقا کی بود؟ پیرزن خون سرد گفت: محسن، دوست خلیل. بعد چادرش را توی صورتش برد و یک نفس عمیق آن را بو کشید. همه با تعجب و دهان های باز مانده نگاهش کردند، پیرزن داخل ترفت. دقایقی

● **فردی که ذبح می کند، مسلمان باشد.**
● **با آهن انجام شود، ولی در حالت تاجاری استفاده از چیز تیز دیگری مثل سنگ یا شیشه هم اشکالی ندارد.**
● **قسمت جلو بدن حیوان رو به قبله باشد.**
● **هنگام ذبح نام خدا را ببرد، مثل بسم الله....**

● **سلاح آن قدر تیز باشد که بدن حیوان را پاره کند.**
● **سلاح را به قصد شکار ببرد.**
● **بردن نام خدا هنگام استفاده از سلاح.**

● **سگ برای همین تربیت شده باشد.**
● **صاحبش به قصد شکار او را بفرستد.**
● **کسی که سگ را می فرستد، مسلمان باشد.**
● **وقت فرستادن نام خدا را ببرد.**
● **شکارا اگر بر اثر خفه کردن توسط سگ یا ترس بمیرد، حلال نیست.**

● **شکار با سگ شکاری ۵ شرط دارد:**

● **وقتی به حیوان برسد، مرده باشد.** اگر به اندازه وقت باشد، باید انجام دهد و صبر نکند تا حیوان بمیرد.
● **شکارچی مسلمان باشد.**



حدیث

کارکردن برای کسب روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

پیامبر اکرم (ص)

جامع الاخبار (شعیری)، ص ۱۳۹

احکام شرعی ذبح

آنچه درباره گوشت حلال باید بدانیم